

## روزگار جوانان

### اوراقی نو یافته از زنده‌یاد علامه‌سیدمحمدحسین طباطبایی

#### «سیر و سلوک سبز» در آینهٔ اسناد



اثری که هم اینک آن را معرفی می‌کنیم، اوراقی است تازه یاب از علامه سیدمحمد حسین طباطبایی که به همت زنده‌یاد استاد سیدهادی خسروشاهی و طی

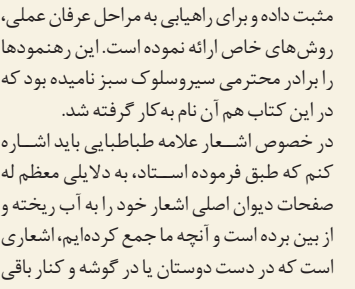
مدتی طولانی از سوی ایشان، از اطراف و اکناف ایران و جهان جمع‌آوری شد. این اثر به شکل ویژه، شامل اشاراتی تاریخی نیز است که پژوهشگران می‌توانند در موضوعات مربوطه، به بهره‌گیری از آن بپردازند. مرحوم خسروشاهی در دیباچه خویش بر این مجموعه نفیس، در باب محتوای آن چنین آورده است:

«کتابی که هم اینک در معرفی آن سخن

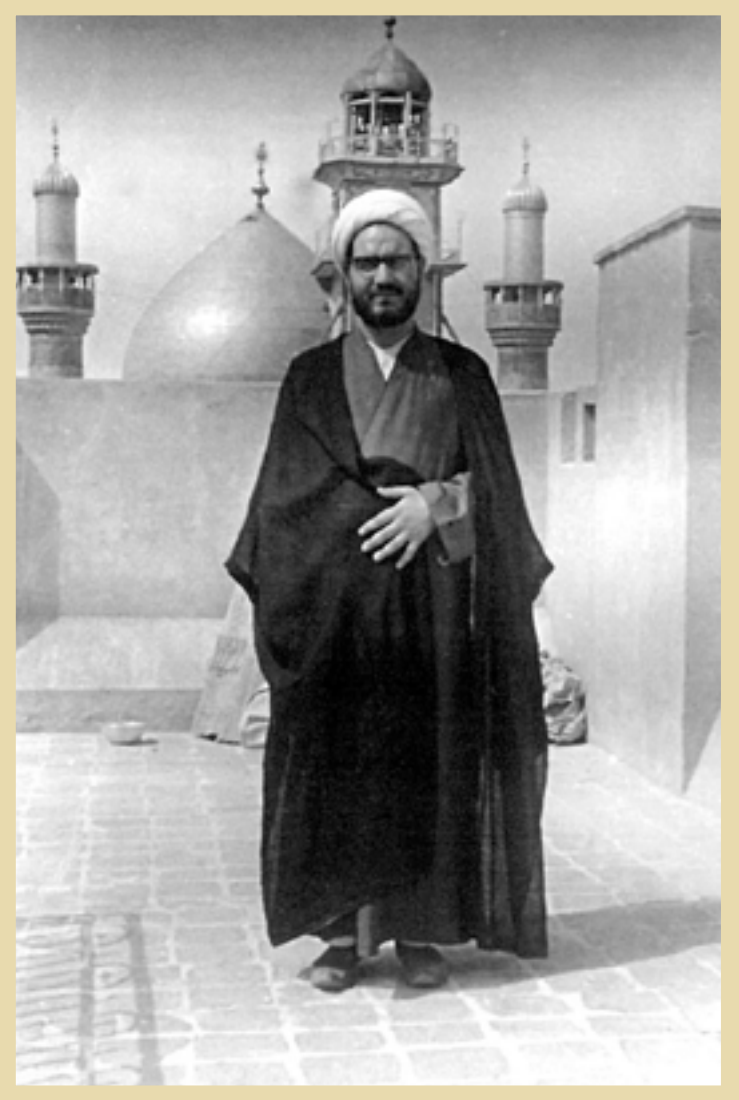
می‌رود، آخرین جلد از مجموعه آثار علامه سیدمحمدحسین طباطبایی است که به فضل

و لطف الهی، توفیق جمع‌آوری، تدوین و نشر آنها به اینجانب اعطا گردید. خداوند را بابت این توفیق کریمانه، بی‌نهایت سپاسگزارم و به روح استاد بزرگوار علامه طباطبایی که مامتش نیز همچون حیاتش مقرون و مشحون به برکت‌های بسیار است، درود می‌فرستم. این مجموعه شامل شعرها، نامه‌ها، تقریظ‌ها، اجازات و برخی دیگر از اسناد مربوط به حیات علمی و عملی، مادی و معنوی علامه طباطبایی است که افاضل محترم و خوانندگان ارجمند با ملاحظه آنها خواهند دید که در این مجلد از کتاب، چه ذره‌ای در خشان، ارزشمند، گرانها و کم‌مانندی جای گرفته است.

نخستین بخش، شامل چند نامه استاد در پاسخ فردی است که خواستار ارائه طریق در سیرال‌الله بوده و علامه طباطبایی با عنایت خاص به آن پاسخ



مثبت داده و برای راهیابی به مراحل عرفان علمی، روش‌های خاص ارائه نموده است. این رهنمودها را برادر محترمی سیرو سلوک سبز نامیده بود که در این کتاب هم آن نام به کار گرفته شد. در خصوص اشعار علامه طباطبایی باید اشاره کنیم که طبق فرموده استاد، به دلایلی متعظم له صفحات دیوان اصلی اشعار خود را به آب ریخته و آن بین برده است و آنچه ما جمع کرده‌ایم، اشعاری است که در دست دوستان یا در گوشه و کنار باقی مانده بود و با اینکه تعداد اشعار باقیمانده زیاد نیست، ولی هر کدام از آنها محتوا و ارزش معنوی ویژه‌ای دارد که بر اهل خرد و دقت، پوشیده نخواهد ماند. اشاره به این نکته هم ضروری است که طبق فرموده استاد به اینجانب، ایشان اشعاری به زبان عربی یا ترکی نسروده است و آنچه در زمین ادعا می‌شود، عاری از صحت است و انتظار آن است که علاقه‌مندان به استاد علامه، ناشی به افزایش اشعار استاد نداشته باشند و بگذارند اشعار باقیمانده از استاد، به همان مقداری باشد که باقی مانده است. اما نامه‌ها، آنچه در این کتاب وجود دارد، به حسب ظاهر، جزو آثار علمی و مرسوم علامه فقید نیست و از کتاب‌های تألیفی او محسوب نمی‌شود، اما این ظاهر قضیه است، ولی حقیقت آن است که مطالب و سطور مندرج در نامه‌ها و مراسلات علامه طباطبایی به اشخاص مختلف و به مناسبت‌های مختلف، حاوی حقایق و نکات می‌مانند است که اگر گفته شود در هیچ‌جای دیگر نمی‌توان نظیر و نمونه‌ای برایش یافت، اغراق نیست. در کل و در واقع، این کتاب با محتویات متنوع و متعدد خود، حاوی تصویری از حکیمی بزرگ، نویسنده‌ای سترگ، فیلسوفی دقیق‌ال نظر و مفسری شاخص است که شاید در جای دیگر، چنین تصویری قابل مشاهده و دریافت نباشد. آنجا که لطف و صمیمیتش را با اشخاص و افراد مختلف، چه آنها که شناخته شده بودند و چه کسانی که ناشناخته‌اند، به وضوح می‌بینیم. آنچه که کرامت و بزرگواری عام و خصاص احترام‌آور با خاص و عام می‌خوانیم، آنجا که حس مسئولیت و احساس تکلیفش را در پاسخگویی به هر نامه رسیده ملاحظه می‌کنیم و آنجا که پاسخگویی شفافش را به رأی‌العین می‌بینیم، در پاسخ به هر پرسشی که از دور و نزدیک می‌رسید…»



آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی در مدرسه آیت‌الله بروجرودی دهه ۴۰ هجری قمری

## رد

**رجوع به آرای عمومی از مشروطیت بدین‌سو و جز در مواردی خاص، تنها در دوران برقراری نظام جمهوری اسلامی تحقق یافت.** از **ایس‌ روی تحلیل این موضوع به مثابه یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، اهمیت‌ی فراوان دارد.**

**با این همه زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی عمید زنجانی در ارزیابی خویش از این مهم، راهپیمایی‌ها و همایش‌های پیش از انقلاب را در قیاس با همه پرسسی، دارای مکانتی افزودن می‌داند؛ امری که از سوی تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی، به گونه‌ای پایسته مورد کنکاش قرار نگرفته است**

#### زنده‌یاد آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی

#### برگ‌هایی از تاریخ نهضت اسلامی را ورق می‌زند

# امام در عرفان و مبارزه

# آموزگار طلاب بود

ملزم هستند، به زیارت عاشورا و زیارت جامعه، البته لزومی هم ندارد که آدم این ادعیه را زیارت حفظ کند. بنابراین برای حضور ذهن بیشتر، امام زیارت جامعه را از روی مفاتیح می‌خوانند و بعد از دو رکعت نماز تحیت و دور رکعت نماز زیارت، دعا می‌کردند. در حال این رفتار امام برای علاقه‌مندان ایشان خیلی آموزنده بود و این نشان می‌داد که انسان در اوج ابتلا و اشتغال به مسائل

#### نیما احمدپور

در روزهایی که بر ما گذشت، از سالروز رحلت اندیشمند مبارز، زنده‌یاد آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی عبور کردیم. در شرایطی که دشمنان نظام اسلامی درصددند تا نام و هویت فعالان نهضت اسلامی را به فراموشی بیاورند و ذهن جامعه و په‌ویژه جوانان و نوجوانان را به دگرسوی سوق دهند، مرور روایت‌ها و اندیشه‌های ایشان یک فریضه قلمداد می‌شود. در مقال پی آمده

تلاش شده است تا پاره‌ای از یادمان‌های آن عالم نامور از فرآیند نهضت اسلامی، مورد خواش

تحلیلی قرار گیرد. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.
□ □ □

**■ زیارت‌های امام در حرم علوی(ع) دیدنی بود**
زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی عمید زنجانی، در عداد عالمانی است که هم‌زمان با دوره تبعید امام خمینی به نجف، در زمره اطرافیان و معاشران ایشان بوده است. سیره رهبر نهضت اسلامی در این دوره، برای وی بس جذاب و درس آموز بود و در این میان، زیارت‌های منظم و پر محتوای ایشان از مضع امیر مؤمنان(ع) توجه او را به خود معطوف داشت. این مرحوم در خاطرات خویش، نحوه و مراحل این زیارت را اینگونه روایت کرده است:

کیفیت تشرّف حضرت امام به حرم امیرمؤمنان(ع) بسیار دیدنی بود و ما بارها می‌ایستادیم و فقط نظاره‌گر زیارت امام بودیم. امام ابتدا که وارد می‌شدند، می‌ایستادند و سلام کوتاهی می‌دادند. بعد می‌آمدند قسمت جلوی ضریح را می‌بوسیدند و سپس از یک ضلعی که محاذی آن جایی بود که بالاسر ضریح قلمداد می‌شود، می‌آمدند و در ضلع پشت سر رأس مطهر می‌ایستادند و زیارت امین‌الله را می‌خواندند. خاطرمد است که دستشان را به شیکه می‌گرفتند و سر به پایین می‌ایستادند و زیارت امین‌الله را می‌خواندند- و بعد از زیارت امین‌الله، چند قدم عقب‌تر می‌آمدند که معمولاً جا برای ایشان نگه می‌داشتند و یک جای خاصی بود که امام آنجا می‌نشستند و در بالاسر از روی مفاتیح، زیارت جامعه را می‌خواندند. این از چیزهایی بود که در نجف، اصلاً متداول نبود که علما از مفاتیح چیزی بخوانند و آن را برای خود، یک مقداری ناپسند هم می‌شمردند! یعنی مثلاً دیده نمی‌شد که کرامت و بزرگواری عام و خصاص احترام‌آور با خاص و عام می‌خوانیم، آنجا که حس مسئولیت و احساس تکلیفش را در پاسخگویی به هر نامه رسیده ملاحظه می‌کنیم و آنجا که پاسخگویی شفافش را به رأی‌العین می‌بینیم، در پاسخ به هر پرسشی که از دور و نزدیک می‌رسید…»

# خارج

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۲۷

#### ضربه مأمور ساواک، در یکی از شب‌های رمضان سال ۵۷

راوی فاضل این خاطرات، پس از اتمام مدت تحصیل در شهر نجف به ایران بازگشت و در مسجد لرنزاده تهران به امامت جماعت پرداخت. حضور وی در این کانون دینی نامور در جنوب تهران، آن را به یکی از کانون‌های روشنگری و مبارزه میدل ساخت و جوانان زیادی را تربیت کرد. مسجد لرنزاده در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی و به طور مشخص در یازدهمین شب از ماه رمضان، مورد حمله مأموران قرار گرفت. آیت‌الله عمید خاطره آن شب را به ترتیب بی‌آمه گزارش کرده است:

«شب یازدهم رمضان سال ۵۷ و مسجد لرنزاده از جمعیت پر بود و عده خیلیی زیادی، اطراف مسجد گرد آمده بودند. در همین لحظات خیر رسید سخنران جلسه را هنگام آمدن به مسجد سر راه دستگیر کردند. مردم هیجان‌زده بودند و نمی‌دانستند چه کار باید بکنند و ما هم سعی

می‌کردیم از متفرق شدن مردم جلوگیری کنیم تا ببینیم چه تصمیم نهایی باید گرفت. جریان امر نشان می‌داد زمینه آماده یک تظاهرات است که مردم از مسجد بیرون بزندن. مسجد محاصره شد. ابتدا ما تصور کردیم مأموران قصدشان متفرق کردن مردم است. بنابراین به مردم اطلاع داده شد آرام از مسجد بیرون بروند و اگر بشود بیرون کاری انجام بگیرد. چنین تصمیمی گرفتیم، ولی خیر آمد تمام کسانی که از مسجد خارج می‌شوند، از دالانی عبور می‌کنند که این دالان را نیزوهای انتظامی و نظامی تشکیل داده بودند و همه آنها در دستانشان باطوم بود و هر کدام از افراد که از این دالان رد می‌شدند، به تناسب سن و وضعیتشان، از چپ و راست با باطوم مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند! اگر جوان بودند بیشتر و اگر مسن بودند کمتر. بچه‌های مسجد فکری به ذهنشان رسید که نیروهای انتظامی را از بیرون مشغول کنند تا جمعیت بتواند قدری راحت‌تر از مسجد خارج شود. فکر بسیار جالبی بود و اینها به هر شکلی بود، به طور انفرادی از مسجد خارج شدند که اکثرها هم کتک خورده بودند. در یکی از کوچه‌های مجاور مسجد، ۳۰۰۰۲ نفر جمع شدند و شروع به تظاهرات و شعار دادن کردند، منتها از پیش نقشه را درست در ذهنشان آماده کرده و راه‌های فرار را کاملاً کنترل کرده بودند، چون آنها بومی و محلی بودند، ولی نیروهای نظامی محلی نبودند و به آنجا آشنایی نداشتند و می‌شد آنها را گمراه کرد.

آنها با شروع تظاهرات، نیروهای امنیتی را گیج کردند و نظامیان از دور مسجد جمع و در جایی دیگر متمرکز شدند تا به آن سمتی که تظاهرات است، حمله کنند. بچه‌ها با استفاده از تاریکی شب، کوچه‌ها را عوض می‌کردند و این کوچه می‌رفتند و از کوچه دیگری می‌آمدند و باز دو مرتبه شروع به شعار دادن می‌کردند و نیروهای انتظامی فکسر می‌کردند که جمعیت زیاد است! در هر حال این جنگ و گریز، باعث شد نیروهای اطراف مسجد کم شوند و مردم هنگامی که از مسجد خارج می‌شدند، دیگر با یک دالان روبه‌رو نبودند و باسه چهار نفر روبه‌رو بودند که از چپ و راست می‌زند و طیباً ضربات زیادی را تحمل نمی‌کردند. آن شب حتی خود من هم ضربه خوردم، منتها به صورتی که خیلی جالب بود! من چون آخرین نفری بودم که از مسجد بیرون آمدم، برای اینکه مطمئن باشم همه مردم رفته‌اند، وقتی بیرون آمدم، دو سه نفر همراهم بودند و نیروهای انتظامی دیگر حالا به هر دلیلی بود، این حصار نز نزدیک را برداشته بودند و در فاصله هفت، هشت و ۱۰ متری مسجد، موضع گرفته بودند. ظاهر آنکی از آن نیروهایی که در هفت، هشت متری مسجد بود، بیرون آمد و با حالت برق‌آسایی نزدیک شد و از پشت سر ضربه‌ای به من زد که تعادل خودم را از دست دادم و این ضربه به قدری محکم بود که جای آن بیش از یک ماه روی بدنم باقی ماند، اما به مجرد ضربه زدن فرام هر کردم. در صورتی که من تنها بودم و یکی دو نفر اطراف من بودند و داخل مسجد هم کسی نبود…»

#### ■ بازارگان متوجه نبود مردم برای ابراز ارادت به امام پای سخنرانی‌اش آمده‌اند

رجوع به آرای عمومی از مشروطیت بدین‌سو و جز در مواردی خاص، تنها در دوران برقراری نظام جمهوری اسلامی تحقق یافت. از این روی تحلیل این موضوع به مثابه یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، اهمیت‌ی فراوان دارد. با این همه زنده‌یاد آیت‌الله عمید زنجانی در ارزیابی خویش از این مهم، راهپیمایی‌ها و همایش‌های پیش از انقلاب را در قیاس با همه پرسسی، دارای مکانتی افزون می‌داند؛ امری که از سوی تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی، به گونه‌ای پایسته مورد کنکاش قرار نگرفته است:

«ساقبل از انقلاب، نه راهپیمایی آزاد، نه رفراندوم آزاد، نه صندوق رأی و نه انتخابات داریم، هیچ‌کدام از اینها نیست و همه مسائل به صورت سنتی است. در راهپیمایی و انتخابات تشریفاتی، احتمال تقلب و ناگاهی وجود دارد، و در رفراندوم فرمایشی هم هر احتمالی وجود دارد، اما وقتی مردم به صحنه می‌آیند و با وجود نیروهای مسلح معارض، در یک راهپیمایی شرکت می‌کنند، اصلاً دیگر تقلب در آن نیست و هیچ‌کس نمی‌آید برای اینکه بک رای بیشتر شوند، جان خودشان را به خطر بیندازد. مردم بیرون از جریان انقلاب اسلامی، هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه لبیک گفتن به ندای جامعه روحانیت، در درجه بالاتر ندای حضرت امام و بالاتر از آنها انجام وظیفه در برابر خدا نداشتند و به هیچ‌وجه حضور آنها تحلیل دیگری نمی‌تواند داشته باشد. به اعتقاد من این راهپیمایی‌ها بزرگ‌ترین سند برای تحلیل ماهوی خواست مردم نسبت به رژیم دلخواهشان بعد از پیروزی انقلاب است و این همایش‌ها و حوادث قبل از انقلاب، به مراتب قوی‌تر از آن رفراندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ بود که مردم با بیش از ۹۸ درصد آرا، یعنی بیشتر از ۲۰ میلیون رأی، برای جمهوری اسلامی دادند. این راهپیمایی‌ها از نظر سندیت، اگر درست تجزیه و تحلیل شود، سندیت و حجیت آنها به مراتب بیشتر از این رفراندوم جمهوری اسلامی یا حتی رفراندوم قانونی اساسی است که ۹۶/۵ بود که مردم با بیش از ۹۸ درصد آرا، یعنی بیشتر از ۲۰ میلیون رأی، برای جمهوری اسلامی دادند. این راهپیمایی‌ها از نظر سندیت، اگر درست تجزیه و تحلیل شود، سندیت و حجیت آنها به مراتب بیشتر از این رفراندوم قانونی اساسی، مسئله خیلی مهمی بود و همین‌طور رفراندوم بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نیز اهمیت بسیار زیادی دارد. اما در عین حال سندیت اینها از جنبه حقوقی نظام اسلامی است، ولی بُعد سیاسی، آن تظاهرات و آن حوادث است که می‌تواند مایهٔ و گستره یک واقعه را به ما نشان دهد…»

می‌شود، البته این کار برای امام، بدون ادعای علم‌غیب هم کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. از همان روز اول نه تنها حضرت امام، بلکه دیگران نیز سلیقه و اسلوب آقای مهندس بازارگان را می‌دانستند. وابستگی که آقای بازارگان به آقای شریعتمداری و دارالتبلیغ داشت و اینکه اصولاً آقای ایشان دبیرکل نهضت آزادی بود و در عمق یک پیوستگی هم با جبهه ملی داشت، چون از انشعابون مسلمان جبهه ملی بود، همه اینها جرقه‌هایی را می‌زد که آقای مهندس بازارگان می‌تواند یسا نمی‌تواند؟ وقتی آقای مهندس بازارگان اعلام کرد فراجنباحی عمل خواهد کرد و امام در فرمان خود این نکته را یادآوری کرده بود که دولت جدید منهای وابستگی‌های حزبی و جناحی – که اشاره به همان نهضت آزادی بود- باید به صورت فراجنباحی عمل کند. بنابراین خیلی‌ها این وسوسه را داشتند که آقای مهندس بازارگان بالاخره از این وابستگی‌ها خودش را می‌تواند دور کند یا نمی‌تواند؟

به صورت سنتی آقای بازارگان وابسته به یک سلسله جریان‌هایی بود که خیلی با خط امام سازگاری نداشتند. آقای بازارگان در حسینه ارشاد در اجتماع جمعیت بسیار انبوهی سخنرانی داشت، [اولی] مردم نیامده بودند سخنرانی آقای بازارگان را بشنوند، بلکه آمده بودند به امام و انقلاب اظهار ارادت کنند. آقای بازارگان بدون این که توجهی به این نکته داشته باشد، فکر می‌کرد که مردم برای او جمع شده‌اند! بنابراین وقتی اسم امام را بر زبان آورد، مردم اصلاً یک‌مرتبه منفجر شدند و سه تا صلوات متوالی – که طول هم دادند- فرستادند و کلام و سخنرانی مهندس بازارگان بریده شد! وی عصبانی شد، یعنی فکر می‌کرد این جمعیت برای او آمده‌اند، یک‌مرتبه دید نه، این جمعیت دنبال بهانه‌ای بود که نسبت به امام اظهار علاقه کند. صلوات را طولانی کردند، تازه به صلوات اول هم اکتفا نکردند و دو تا صلوات دیگر هم فرستادند. چنان مهندس بازارگان عصبانی شد که صحبت را قطع کرد و گفت آنقدر صلوات بفرستید تا نفستان در بیاید! چون آدم زکی هم بود، این عکس‌العمل را از خودش نشان داد. مهندس بازارگان باید از اول متوجه این نکته می‌شد که اگر در راهپیمایی ۸ایمن

با این که در موقع سخنرانی ایشان جمعیت جمع شده‌اند، اینها برای شخص ایشان نیست، بلکه برای انقلاب، رهبری انقلاب و شخص امام است…»

#### ■ جمهوری اسلامی، نمادی از رجوع به افکار عمومی

رجوع به آرای عمومی از مشروطیت بدین‌سو و جز در مواردی خاص، تنها در دوران برقراری نظام جمهوری اسلامی تحقق یافت. از این روی تحلیل این موضوع به مثابه یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، اهمیت‌ی فراوان دارد. با این همه زنده‌یاد آیت‌الله عمید زنجانی در ارزیابی خویش از این مهم، راهپیمایی‌ها و همایش‌های پیش از انقلاب را در قیاس با همه پرسسی، دارای مکانتی افزون می‌داند؛ امری که از سوی تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی، به گونه‌ای پایسته مورد کنکاش قرار نگرفته است:

«ساقبل از انقلاب، نه راهپیمایی آزاد، نه رفراندوم آزاد، نه صندوق رأی و نه انتخابات داریم، هیچ‌کدام از اینها نیست و همه مسائل به صورت سنتی است. در راهپیمایی و انتخابات تشریفاتی، احتمال تقلب و ناگاهی وجود دارد، و در رفراندوم فرمایشی هم هر احتمالی وجود دارد، اما وقتی مردم به صحنه می‌آیند و با وجود نیروهای مسلح معارض، در یک راهپیمایی شرکت می‌کنند، اصلاً دیگر تقلب در آن نیست و هیچ‌کس نمی‌آید برای اینکه بک رای بیشتر شوند، جان خودشان را به خطر بیندازد. مردم بیرون از جریان انقلاب اسلامی، هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه لبیک گفتن به ندای جامعه روحانیت، در درجه بالاتر ندای حضرت امام و بالاتر از آنها انجام وظیفه در برابر خدا نداشتند و به هیچ‌وجه حضور آنها تحلیل دیگری نمی‌تواند داشته باشد. به اعتقاد من این راهپیمایی‌ها بزرگ‌ترین سند برای تحلیل ماهوی خواست مردم نسبت به رژیم دلخواهشان بعد از پیروزی انقلاب است و این همایش‌ها و حوادث قبل از انقلاب، به مراتب قوی‌تر از آن رفراندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ بود که مردم با بیش از ۹۸ درصد آرا، یعنی بیشتر از ۲۰ میلیون رأی، برای جمهوری اسلامی دادند. این راهپیمایی‌ها از نظر سندیت، اگر درست تجزیه و تحلیل شود، سندیت و حجیت آنها به مراتب بیشتر از این رفراندوم جمهوری اسلامی یا حتی رفراندوم قانونی اساسی است که ۹۶/۵ بود که مردم با بیش از ۹۸ درصد آرا، یعنی بیشتر از ۲۰ میلیون رأی، برای جمهوری اسلامی دادند. این راهپیمایی‌ها از نظر سندیت، اگر درست تجزیه و تحلیل شود، سندیت و حجیت آنها به مراتب بیشتر از این رفراندوم قانونی اساسی، مسئله خیلی مهمی بود و همین‌طور رفراندوم بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نیز اهمیت بسیار زیادی دارد. اما در عین حال سندیت اینها از جنبه حقوقی نظام اسلامی است، ولی بُعد سیاسی، آن تظاهرات و آن حوادث است که می‌تواند مایهٔ و گستره یک واقعه را به ما نشان دهد…»